

پژوهش‌های روستایی، سال دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۰
صص ۱-۳۴

تبیین رابطه رهیافت حکمروایی خوب و توسعه پایدار روستایی در مناطق روستایی استان مازندران

عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری*^۱ - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس
جلال عظیمی آملی - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس
مهدی پورطاهری^۱ - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس
زهرا احمدی پور - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۰/۷/۲۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱/۳۰

چکیده

حکمروایی خوب در واقع رهیافتی تطبیقی در برنامه‌ریزی و مدیریت منابع در قلمرو سرزمین (کشور، منطقه، شهر، روستا، و مانند اینها) برای دستیابی به توسعه پایدار به شمار می‌آید که از طریق رفتار و قاعده‌مند و نهادینه شدن پاسخگویی، مشارکت مردمی، شفافیت، قانونمندی، مسئولیت‌پذیری، اجماع و مانند اینها دست‌یافتنی است. به همین دلیل حکمروایی خوب روستایی چنین تعریف شده است: فرایند کنش و واکنش متقابل مسئولان و برنامه‌ریزان در سطح کلان تا خرد است، برای اجتماعات محلی با مردمی که از برنامه‌های توسعه‌ای متأثر می‌شوند. در ایران، به‌ویژه در مناطق روستایی، فرایند تعامل دولت و ملت در مدیریت‌های توسعه‌ای از شکل‌گیری نظام دولت - ملت، به خصوص از دوره مشروطیت به این سو مشاهده می‌شود. این تعامل توسعه‌ای در دوره‌های مختلف تاریخی با تحولات اندیشه‌ای توسعه و برنامه‌ریزی در ایران نیز متفاوت است؛ به طوری که پارادایم حاکم توسعه پایدار روستایی در سپهر علوم جغرافیایی و برنامه‌ریزی و مدیریت، از مدیریت توسعه‌ای به حکمروایی توسعه‌ای تغییر جهت داده است. با این توصیف، مقاله حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش است که: "آیا با تحقق بخشی رهیافت حکمروایی خوب در مناطق روستایی، توسعه پایدار روستایی محقق می‌شود؟" برای پاسخگویی به این پرسش از روش توصیفی - تحلیلی به شیوه کتابخانه‌ای و پیمایشی استفاده شده است. نتایج آزمون‌های آماری و کیفی نشان می‌دهند که رهیافت حکمروایی خوب روستایی می‌تواند به چالش مدیریتی توسعه روستایی در ایران پاسخی درخور دهد و توسعه پایدار روستایی را سرعت بخشد.

کلیدواژه‌ها: حکمروایی خوب روستایی، حکومت محلی، توسعه پایدار روستایی، رهیافت.

عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری و همکاران ————— تبیین رابطه رهافت حکمروایی خوب و توسعه پایدار ...

مقدمه

مطالعه اسناد و مدارک، مشخص می‌سازد که توافق جمعی بین‌المللی رو به رشدی وجود دارد که حکمروایی خوب^۱ برای دستیابی به توسعه انسانی پایدار در قلمرو هر سرزمین جزو ضروریات است. در این میان، سازمان‌های بین‌المللی در صف مقدم این باور قرار دارند و تأکیدی جدی می‌ورزند که ظرفیت‌سازی برای زمامداری درست و مطلوب، باید ابزار اولیه را برای ریشه‌کن کردن فقر و بهره‌مند شدن عادلانه و برابر همه اقشار مردم از مواهب زندگی و مشارکت آنان در تمام امور تصمیم‌گیری و اجرا، در اختیار داشته باشد. در چنین برداشتی از حکمروایی خوب، این‌گونه تلقی می‌شود که این فرایند از رابطه صحیح و منطقی بین حکومت‌کنندگان و شهروندان به دست می‌آید، هدف آن به حداکثر رساندن بهزیستی عمومی و توجه به بهره‌مندی مادی و معنوی انسان‌ها و رفع نیازهای آنان و حمایت از حقوق اساسی و آزادی شهروندان در همه مکان‌ها و زمان‌هاست. علاوه بر آن، موضوع حکمروایی خوب بر چگونگی دست یافتن به حکومتی که بتواند زمینه‌ساز توسعه‌ای مردم‌سالار و برابری‌خواهانه باشد، تأکید دارد (عربشاهی، ۱۳۸۳، ۹). با توجه به این برداشت، حکمروایی روستایی عبارت است از فرایند تأثیرگذاری همهٔ ارکان دخیل روستایی بر مدیریت روستایی، با تمام سازوکارهایی که با آنها بتوان به‌سوی تعالی و پیشرفت روستا و مردم روستایی حرکت کرد. به عبارت دیگر، حکمروایی روستایی همانا به اجرا در آوردن تصمیمات و سیاست‌های مردم روستایی، هم‌سو با منافع خودشان است که در عین حال با منافع ملی، منطقه‌ای و محلی نیز سازگار است. در این میان نقش دولت‌ها بیشتر در چارچوب فراهم‌کننده بسترهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، از جمله هماهنگ‌سازی و پاسداری از قوانین و میثاق‌های ملی محدود می‌شود و از دخالت مستقیم آنها در تصمیم‌گیری‌ها و همچنین اداره و اجرای امور مربوط به زندگی مردم کاسته می‌شود.

1. Good Governance

فصلنامه پژوهش‌های روستایی _____ دوره ۲، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۰

در حکمروایی خوب روستایی، تأکید عمده بر این است که مسیر عمومی اندیشه و مدیریت توسعه‌ای تقویت گردد و مردم روستایی، خود برای سرنوشت‌شان تصمیم‌گیری کنند. همچنین فرایند حکمروایی خوب روستایی این تضمین را می‌دهد که اولویت‌های توسعه پایدار سرزمین، مبتنی بر اجماع و اتفاق نظر جامعه محلی باشد و صدای فقیرترین و آسیب‌پذیرترین اقشار نیز در فرایند تصمیم‌گیری درباره تخصیص منابع توسعه شنیده شود (U.N.D.P., 2000). به همین دلیل، امروزه گسترش رهیافت حکمروایی خوب روستایی مستلزم آن است که مردم و جوامع روستایی در تشکل‌های مدنی به صورت شبکه‌های کوچک اجتماعی سازماندهی شوند تا از توانایی‌ها و استعدادها و خلاقیت‌های‌شان به گونه‌ای مناسب استفاده کنند و به مدیریت آنها بپردازند. چنین نگرش‌هایی از ضروریات فرایند توسعه پایدار روستایی قلمداد می‌شود که از طریق سازوکارهای ظرفیت‌سازی و توانمندسازی و شبکه‌سازی - که نوعی سرمایه اجتماعی قلمداد می‌شود- عینیت می‌یابد (افتخاری، پورطاهری و دیگران، ۱۳۸۸، ۷۲-۴۳).

در کشور ما، با پیروزی انقلاب اسلامی، قانون اساسی جدید بر دو پایه جمهوریت و اسلامیت تنظیم شد و برای هر یک از این دو پایه، سازوکارهای مختلفی پیش‌بینی گردید. در این قانون به سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان و نفی هر گونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی تأکید شده است. علاوه بر آن، به مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های توسعه‌ای (اقتصادی، اجتماعی و نهادی و مانند اینها) تأکید گردیده است. نمونه بارز آن تشکیل شوراهای اسلامی شهر و روستاست، که زمینه مناسبی را برای تحقق حکمروایی خوب - چه در عرصه شهر و چه در عرصه روستا- فراهم آورده است. تأثیر این شوراها در کاهش تمرکز اداری و واگذاری بخشی از اختیارات نظام سیاسی به نهادهای محلی است که در اصل ۱۰۰ قانون اساسی و مواد ۶۸، ۷۰، ۷۴، ۷۶، ۷۷، ۱ قانون تشکیلات و وظایف شوراها آمده است و بر تأثیر شوراها در کاهش تصدی‌گری و تمرکز دولت تأکید دارد.

با نگاهی به جامعه روستایی کشور در طول تاریخ، این حقیقت آشکار می‌شود که بخش روستایی ایران نقشی ملی در تحکیم پایه‌های استقلال اقتصادی ایفا می‌کند و تولیدات این بخش از سویی موجب تأمین نیازهای غذایی مردم می‌شود؛ و از سوی دیگر، بخشی از نیاز

صنایع به مواد اولیه، بازیافت انرژی و سلامتی برای شهروندان شهری را از طریق گذراندن اوقات فراغت در شرایط حاضر برطرف می‌سازد. با این حال، نگاه کلاسیک به توسعه، می‌تواند شتاب گرفتن تحولات اجتماعی، و نابرابری بین روستاها و شهرها را بیش از پیش نمایان سازد. بروز این نابرابری‌ها موجب ازهم‌گسیختگی بافت اجتماعی جوامع روستایی شده است، به گونه‌ای که هجوم روزافزون نیروی فعال و جوان تولیدکننده روستایی را به سوی شهرها، به دلیل معضلاتی بی‌رونی و بیکاری روستاییان از یک‌سو و محرومیت از مواهب زندگی امروزی و احساس نابرابری از سوی دیگر، در پی داشته است. بدین ترتیب، این واقعیت متجلی می‌گردد که مسئولان برنامه‌ریزی و اداره امور با چالش‌های بزرگی چون مشکلات راهبردی آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی در شهرها و فرار سرمایه‌ها - اعم از مادی و انسانی- از مناطق روستایی کشور مواجه‌اند. از این رو ضرورت دارد که با سازماندهی مناسب و تقویت نظام‌های مدیریتی مبتنی بر انتخاب مردمی و مشارکت حداکثری (حکمروایی خوب روستایی) گام‌های مؤثری در مسیر بازمهندسی و توسعه نظام و شیوه‌های انجام وظایف قانونی و اداره مؤثر و کارای جامعه روستایی، از جمله جلب مشارکت و همکاری سازمان‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی و مردم (سازمان‌های جامعه مدنی)، برداشته شود.

استان مازندران در شمال ایران دارای ۳۵۸۸۵۷ خانوار است و جمعیتی ۱۳۶۷۳۷۷ نفری، است که شهرستان بهشهر در شرق استان و شهرستان آمل در مرکز و شهرستان چالوس در غرب آن واقع شده‌اند. شهرستان آمل بر اساس آمار سال ۱۳۸۵ دارای ۳۷۳۷۶ خانوار و ۱۴۴۴۰۶ نفر جمعیت و ۳۳۸ روستا بوده؛ و شهرستان بهشهر در همین سال ۱۲۸۷۶ خانوار و ۵۰۵۴۴ نفر جمعیت و ۱۲۵ روستا داشته است. شهرستان چالوس در غرب استان مازندران دارای ۱۵۷۱۳ خانوار و ۵۸۱۳۷ نفر جمعیت و ۱۷۳ روستا بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). این شهرستان‌ها به دلیل قرارگیری در شرایط آب و هوایی مناسب، با دشت‌های وسیع و حاصلخیز، شرایط نسبتاً مناسبی برای توسعه فعالیت‌های کشاورزی و فعالیت‌های وابسته به آن دارند، اما در سال‌های اخیر به دلیل تبدیل اراضی کشاورزی به کاربری‌های دیگر، به ویژه ساخت‌وساز و گسترش ویلاسازی (عمدتاً در روستاهای جلگه‌ای)، مهاجرفرستی شدید، ضعف

زیرساخت‌های ارتباطی، فقدان تشکل‌های مردم‌نهاد روستایی و نظایر اینها، پایداری‌های محیطی و اجتماعی و اقتصادی دستخوش تغییر و تحول قرار گرفته و مدیریت روستایی را با چالش مواجه ساخته است. از سوی دیگر، تمامی روستاهای دارای بیش از ۲۰ خانوار این شهرستان‌ها شورای اسلامی روستایی دارند و تقریباً تمامی آنها دارای دهیاری‌اند.

براساس مطالعات انجام شده، بیشتر نزدیک به تمامی مردم روستاهای مورد مطالعه از عملکرد و فعالیت‌های ارائه شده از سوی اعضای شورا و دهیاری تا حدودی راضی‌اند و عملکرد آنها را متوسط ارزیابی می‌کنند؛ اما از وضعیت پاسخگو بودن آنها در قبال کارهای انجام‌شده در روستا چندان رضایت ندارند و بر این باورند که مدیران روستایی شفافیت لازم را با مردم ندارند. نکته دیگر در مورد وضعیت حکمروایی روستایی در روستاهای مورد مطالعه، این است که میزان پایبندی و تقید مسئولان و مدیران روستا به حقوق و قوانین شهروندی، از کم تا متوسط ارزیابی شده است. روستاییان نیز خود بر این باورند که تقریباً با حقوق و قوانین آشنایی ندارند و از طرف دیگر، مشارکت زنان در امور مربوط به مدیریت و تصمیم‌گیری‌های مربوط به روستا تقریباً صفر - و یا نزدیک به آن - است و زنان در این امور دخالتی ندارند. با این توصیف، مقاله حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش اساسی است که: "آیا با تحقق بخشی رهیافت حکمروایی خوب روستایی، توسعه پایدار روستایی محقق می‌شود یا خیر؟" یا به عبارت دیگر، "چگونه رهیافت حکمروایی خوب روستایی می‌تواند به پایداری روستایی بینجامد؟"

اصول و معیارهای حکمروایی خوب روستایی

به استناد منابع و متون مطالعه شده، حکمروایی خوب روستایی، فرایند مستمری است که از طریق آن منافع متضاد یا متعارض با یکدیگر همراه می‌شوند و هم‌افزایی توسعه‌ای شکل می‌گیرد و به کنش بر پایه همکاری روی آورده می‌شود. از آنجا که توسعه پایدار روستایی مستلزم همراهی مردم و با مشارکت و همفکری خود آنان است و تحولات سیاست‌گذاری‌های توسعه پایدار روستایی از تأکید بر منابع فیزیکی صرف (پروژه‌مداری) به تأکید بر منابع انسانی (مردم‌مداری) تغییر مسیر داده است، لذا تغییر این پارادایم نیازمند اطلاعات بیشتر در مورد

مردم و ایجاد راه‌های ارتباطی مؤثر بین کارشناسان و مردم روستاهاست (عمادی و عباسی، ۴۱، ۱۳۸۳). بنابراین، حکمروایی خوب روستایی زمینه تحقق چنین فرایندی را میسر می‌سازد و روستاییان را در سرنوشت‌شان سهیم برمی‌شمارد.

U.N.D.P. در سال ۲۰۰۰ میلادی شاخص‌هایی را به عنوان شاخص‌های اصلی حکمروایی خوب ارائه کرده و تحقق توسعه پایدار را مستلزم اجرای آنها دانسته است. این شاخص‌ها عبارت‌اند از: پاسخگویی، اجماع‌محوری، مشارکت مردمی، قانون‌محوری، عدالت و برابری، مسئولیت‌پذیری، شفافیت و کارایی و تأثیرگذاری یا اثربخشی. علاوه بر آن، "دانیل کافمن"، "آرت کراری"، "پابلو زوید و لوبتون" در همان سال شاخص‌هایی چون حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت قانون و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد را به عنوان محورهای اصلی حکمروایی خوب مطرح کرده‌اند (Kafmann, Krary et al., 2000, 2196). این پژوهشگران وضعیت حکمروایی خوب را بر اساس معیارهای مذکور برای ۱۷۷ کشور محاسبه و منتشر کرده‌اند. نتایج به دست آمده حاکی از این بوده است که شاخص‌های حکمروایی خوب تأثیر معناداری بر رشد اقتصادی دارند. در جدول ۱، تأثیر این شاخص‌ها بر رشد اقتصادی ۱۷۷ کشور نشان داده شده است (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۱، ۷۶).

جدول ۱. تأثیر شاخص‌های حکمروایی خوب بر رشد اقتصادی ۱۷۷ کشور

ردیف	شاخص‌ها	β	S.E	F
۱	پاسخگویی و حق اظهار نظر	۰/۸۸۸	۰/۱۰۹	۲۳/۰۲۵
۲	ثبات سیاسی و عدم خشونت	۱/۳۹۴	۰/۱۷۷	۶/۳۰۱
۳	اثربخشی دولت	۱/۱۰۲	۰/۱۲۸	۱۲/۰۸۰
۴	بار مالی مقررات	۱/۱۳۳	۰/۱۴۳	۱۸/۸۱۳
۵	حاکمیت قانون	۱/۳۳۵	۰/۱۴۳	۷/۹۸۳
۶	مبارزه با فساد	۰/۹۹۰	۰/۱۱۲	۱۲/۰۶۹

ضرایب این برآزش نشان می‌دهد که تأثیر شاخص حکمروایی بر رشد اقتصادی، معنادار و بسیار درخور توجه است. تحقیقات موردی در کشورهای مختلف نیز نشان می‌دهد که این شاخص‌ها علاوه بر رشد سرانه، بر دیگر متغیرهای اقتصادی مانند فقر و نابرابری، سرمایه‌گذاری و کسری بودجه نیز بسیار تأثیرگذارند. "دیوید بارکین" (۲۰۰۰)، ضمن بیان پاره‌ای از رویکردهای سنتی و نو در خصوص توسعه روستایی، به علل اصلی فقر روستایی اشاره می‌کند، که از این دست‌اند: سیاست‌های تبعیض‌آمیز بخش‌های کلان اقتصادی، سیستم‌های دسترسی نامناسب و غیرعادلانه مالکیت زمین، گرایش‌های ضد کشاورزی در نهادهای توسعه، توزیع نابرابر درآمد و قدرت سیاسی، سیاست‌های نامناسب اشتغال و نظایر اینها. وی همچنین اصول پایداری را زمینه‌ساز عدالت اجتماعی در جامعه روستایی می‌داند و آن را سبب بالا رفتن کیفیت زندگی مردم برمی‌شمارد. وی همچنین سه مثال از پروژه‌های جوامع محلی را که در فرایند پایداری و حفظ محیط زیست کامیاب و موفق بودند، مطرح می‌کند (Barkin, 2000, 43-55).

روبرت پاتنام در تحقیقی که در زمینه مناطق شمالی و جنوبی ایتالیا انجام داد، به تفاوت‌هایی در اداره جوامع محلی در هر یک از دو مناطق مذکور اشاره کرد و به این نتیجه رسید که در نواحی شمالی ایتالیا، سابقه خودگرانی جوامع محلی و توزیع قدرت سیاسی در بین مردم، زمینه را برای شکل‌گیری جامعه مدنی و مردم‌محور فراهم آورده است. ویژگی‌هایی همچون شبکه انبوه انجمن‌های محلی، مشارکت فعال مردم در مسائل اجتماع، الگوهای سیاسی مساوات‌طلبانه، اعتماد و تابعیت از قانون از جمله مشخصه‌های چنین جوامعی هستند؛ این در حالی است که نواحی جنوب ایتالیا فاقد این مشخصات بوده‌اند (Putnam, 1994, 34).

"مارک گودوین" نیز در تحقیقی در زمینه "حکمروایی نواحی روستایی"، با تأکید بر شبکه‌ها در کلیه سطوح روستا و توجه به توسعه روستایی بر مبنای مشارکت و همکاری میان تمامی سطوح مورد نظر، "حکمروایی روستایی" را ابزار قدرت و موضوع تولید اجتماعی

برمی‌شمارد. به اعتقاد وی، حکمروایی روستایی شامل آن نوع قدرتی است که استعدادها را برای عمل کردن، به وسیله آمیزه‌ای از منابع و مهارت‌ها و اهداف‌شان در مشارکتی پایدار و ماندنی هدایت می‌کند. "گودوین" همچنین می‌افزاید که پایداری در حکمروایی روستایی زمانی نهادینه می‌شود که صاحبان قدرت در جامعه روستایی مشروعیت لازم را داشته باشند (Goodwin, 2000, 120).

"ریچارد ولش" در تحقیقی که در سال ۲۰۰۰ در خصوص مشروعیت دولت محلی روستایی در محیط حکمروایی جدید در دو بخش روستایی در جزیره جنوبی نیوزیلند و ویکتوریا استرالیا انجام داد، حکمروایی خوب روستایی را مستلزم وجود چارچوب‌های قانونی درست و منصفانه دانست که به شکلی بیطرفانه به اجرا درآیند. در چنین حالتی دولت‌های محلی روستایی مشروعیت لازم را دارند و همه مردم جامعه روستایی از آنها حمایت می‌کنند. به اعتقاد وی، اگر حکمروایی خوب روستایی گسترش یابد، آن‌گاه تغییر در قواعد ساختار دولتی، توازن حقوق ذی‌نفعان، روش‌های تصمیم‌گیری اجرای قانون، مشارکت مردمی و نظایر اینها نیز تحقق پیدا خواهد کرد (Welch, 2000, 67).

با توجه به تحقیقات انجام‌شده طبق جدول ۲، و جمع‌بندی آنها به‌ویژه به تأسی از سازمان برنامه توسعه ملل متحد (UNDP)، هشت شاخص "مشارکت، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، توافق جمعی، عدالت‌محوری، قانونمندی، شفافیت و کارایی و اثربخشی" برای سنجش حکمروایی خوب روستایی مد نظر قرار گرفته؛ و سه بعد اصلی توسعه پایدار - یعنی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و محیطی- برای سنجش وضع پایداری نواحی روستایی مورد مطالعه در نظر گرفته شده است.

جدول ۲. برخی از تحقیقات انجام شده در خصوص حکمروایی خوب روستایی و توسعه پایدار روستایی

معیارها	عنوان مقاله	سال	محققان / پژوهشگران
سلسله‌مراتبی بودن روابط شهر و روستا - تأکید بر شبکه‌ها در کلیه سطوح روستا - توسعه پایدار روستا، مبتنی بر مشارکت مردم - توجه به حکمروایی روستایی به‌عنوان موضوع تولید اجتماعی - مشروعیت داشتن رهبران محلی - حکمروایی روستایی به‌عنوان نوعی قدرت	The Governance of Rural Areas: Some Emerging Research Issues any Agendas	1998	Mark Goodwin
مشروعیت دولت محلی روستایی و کارآمدی آن - قانون‌گرایی - عدالت‌محوری و مشارکت مردمی - به کار بردن شاخص‌های حکمروایی خوب روستایی در دو بخش روستایی در جزیره جنوبی نیوزیلند و ویکتوریای استرالیا	Legitimacy of Rural Local Governance in the New Governance Environment	2000	Richard Welch
مطالعه در زمینه حکمروایی محلی مردمی (DLE) در شش کشور بولیوی، هندوراس، مالی، هند، فیلیپین و اکراین - تأکید بر مشارکت مردمی در تصمیم‌گیری‌های محلی - توانمندسازی مردم روستایی - کاهش فقر و برقراری عدالت و برابری	Participation & Accountability at the Periphery: Democratic Local Governance in Six Countries	2000	Harry Blairr
حکومت محلی - چندبعدی بودن توسعه روستایی - تعامل نهادهای حکومتی، جامعه مدنی و بخش خصوصی - شفافیت، پاسخگویی، ظرفیت‌سازی - مشارکت حداکثری در جامعه روستایی - تعیین معیار توسعه روستایی پایدار و کاربرد آن در نظام سیستماتیک برای فرایندهای بازساخت در نواحی روستایی "انتاریو" در کانادا	The Restructuring of Local Governance in Rural Regions: A Rural Development Perspective	2004	David. J.A. Douglas
تشکیل دولت‌های محلی با قدرت بالا - ارائه خدمات با کیفیت مطلوب از سوی مدیران محلی - مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی مسئولان محلی - تمرکززدایی و تصمیم‌گیری‌های از پایین به بالا - مشارکت حداکثری مردم روستایی	Toward Decentralization: Approaches to Promoting Good Governance	2007	Ronald. W. Johnson & Henry. P. Minis. Jr

منبع: نگارندگان

رهیافت حکمروایی خوب و توسعه پایدار روستایی

با مطالعه متون تخصصی مرتبط می‌توان دریافت که از اواخر دهه ۱۹۹۰، نهادهای بین‌المللی سیاست‌گذاری اقتصادی، سیاستی را به نام "حکمروایی خوب" به‌عنوان رمز حل معمای توسعه مطرح کردند. در واقع پس از بروز برخی از کاستی‌ها در برنامه‌ها و سیاست‌های قبلی نهادهای بین‌المللی، و ناموفق بودن این برنامه‌ها در دستیابی به توسعه پایدار، در رهیافت‌های جدید توسعه بهسازی حکومت‌ها و توانمندسازی آنها به مثابه شرط پایداری توسعه مطرح گردید و سرانجام نیز بر دستیابی هم‌زمان به اهداف حفاظت محیطی و ثبات اقتصادی و عدالت اجتماعی تأکید شد (Castanza, 1992, 83) افزون بر این، برابر "دستور کار ۲۱" نیز که در آن بر اجرای همه‌جانبه مفهوم پایداری مشخصاً تأکید گردیده و به تحول در شیوه‌های سنتی سیاست‌گذاری‌ها و ساختار نظام‌های اداری - توجه شده است، می‌توان این نتیجه را گرفت که عملیاتی کردن بهسازی حکومت‌ها و توانمندسازی آنها در سطح محلی در مسیر پایداری - چه شهری و چه روستایی - شکل و قالب‌های تازه‌ای از حکمروایی را مطرح می‌سازد که در آن سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در نظام اداری - سیاسی در سطوح مختلف قلمرو سرزمین از طریق مدل‌های مشارکتی صورت می‌گیرد. به دیگر سخن، در تعامل پایداری روستایی و نظام اداره مردمی (حکمروایی روستایی) می‌توان به دو نکته مهم اشاره کرد: ۱- سازمان‌دهی اجتماعی فرایندها و ایجاد شبکه‌هایی از کنشگران متعدد (شبکه‌های روستایی) و تلاش برای به‌کارگیری افکار عمومی در سمت‌دهی به آینده حوزه‌های محلی - روستایی در چارچوب توسعه پایدار؛ ۲- تبادل نظر بر مبنای پایداری روستایی، با توجه به برنامه‌ها و اهداف مرتبط با آنها در مسیر توسعه پایدار (پاگ، ۱۳۸۳، ۲۷۰-۲۵۵). در واقع رسیدن به پایداری نیازمند سازوکارهای تازه‌ای از فرایند مدیریت است که در محیط روستایی پویا و دارای تعامل با شهر (به‌عنوان مکمل یکدیگر در قلمروی معین)، و مدیریت سازگار و کارآفرین و چندبعدی شکل می‌گیرد. به همین دلیل است که به نظر می‌رسد حکمروایی خوب روستایی قابلیت فراهم کردن چنین سازوکاری را دارد، چرا که اگر توسعه به‌مثابه افزایش توانایی سیستم‌های اجتماعی به منظور

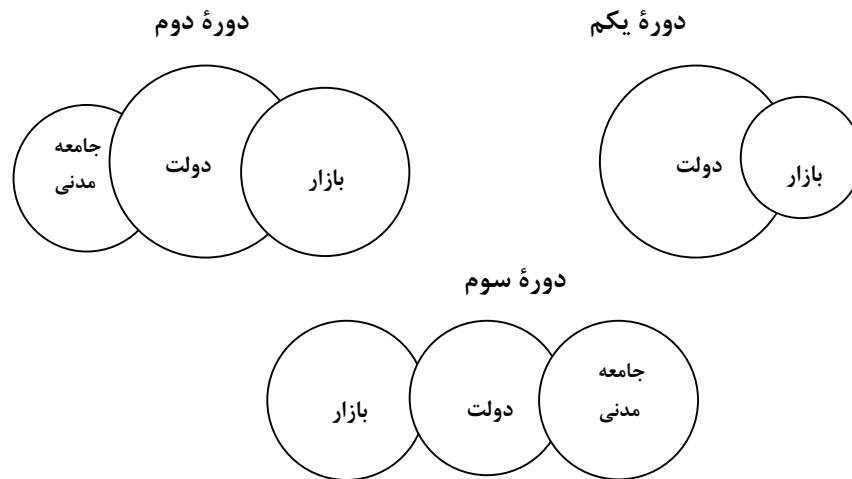
گزینش از میان ارزش‌های رقابتی و افزایش ظرفیت سیستم‌های اجتماعی با هدف تصرف آگاهانه در نظر گرفته شود، آن‌گاه می‌توان به اهمیت شیوه تصمیم‌گیری، اعمال قدرت و چگونگی تعامل بین مردم و دولت، و در مجموع نحوه حکمروایی پی برد (جاسبی و نفری، ۱۳۸۷، ۳۶-۴۹). از سوی دیگر، نهادهای اصلی جامعه نقش اساسی در ایجاد حکمروایی خوب دارند. سه نهاد "دولت، جامعه مدنی و - به‌ویژه - بازار، زمینه‌ساز حکمروایی خوب هستند. هر یک از این سه نهاد دارای کارکردها و وظایف خاصی است که با ترکیب متناسب و درست آنها می‌توان انتظار شکل‌گیری حکمروایی خوب را داشت. دولت با در دست داشتن ابزار اعمال قدرت به تنظیم قوانین و متعادل کردن روابط نهادهای مدنی می‌پردازد. جامعه مدنی تسهیل‌کننده تعاملات میان اجتماع و سیاست است؛ و بخش خصوصی دست‌اندرکار ایجاد شغل و درآمد. بنابراین سه عنصر قدرت و نفوذ و پول، دستاوردهای کارکرد هر یک از نهادهای مورد بحث‌اند. بدین ترتیب، آماده‌سازی سازوکارهای سازمانی و نهادی و قانونی لازم برای اجرای الگوی جدید مدیریتی و پیش‌بینی برآیندها و مشکلات ناشی از اجرای آن و نحوه مقابله با پیامدهای منفی در حین اجرا، شرط پایداری این رهیافت مدیریتی مطلوب به شمار می‌آید (شکل ۱ و ۲). در همین زمینه می‌توان به تجربه‌های کشورهای مختلف اشاره کرد. از جمله این کشورها، کره جنوبی است که جنبش ساموئل آندونگ یا جنبش نوسازی روستاها در آن از دهه ۱۹۷۰ شروع شد و به یکی از موفق‌ترین تجربیات توسعه روستایی جهان بر اساس رهیافت حکمروایی خوب روستایی بدل گردید، و به درستی توانست مشارکت فعال روستاییان را تسهیل کند و بستر لازم را برای آن فراهم سازد. این جنبش از طریق انتخاب رهبران روستایی آن به وسیله مردم، تعامل مناسبی را میان کارگزاران دولتی و روستاییان ایجاد کرد و بر سه شعار استوار گردید: پشتکار و خودیاری و تعاون (عمادی، ۱۳۷۸، ۲۷-۳۰).

مهم‌ترین معیارهای الگوی این جنبش عبارت بودند از: مشارکت فعال روستاییان، تعامل بین آنان و کارگزاران دولتی، تأکید بر فرهنگ بومی به‌عنوان بستر توسعه، خودارتقایی و خوداصلاحی، انقلاب فکری روستاییان، جنبش توسعه اجتماعی و نظایر اینها. نتایج به دست

آمده از پیاده کردن این جنبش در مناطق روستایی کره جنوبی حاکی از آن بود که توانسته است انرژی‌های پراکنده مردم روستایی را تا حدّ زیادی وحدت بخشد و روحیه امیدوار و دارای انگیزه برای بهره‌مندی از زندگی مطلوب را در سایه تأثیرگذاری بر سیاست‌ها و تصمیمات اثربخش در آنها ایجاد کند (کمالی، ۱۳۸۴، ۶۴-۴۳).

از دیگر تجربیات موفق توسعه روستایی در جهان، نظام "پانچایات روستایی" یا نظام دموکراتیک مدیریت محلی در سطح روستاست که در واقع نظام دولت محلی در کشور هند است. این نظام متشکل از سازمان‌های محلی است که اختیاراتشان را از دولت‌های ایالتی می‌گیرند و وظیفه آنها، ارائه خدمات کاملاً محلی به روستاییان است. "پانچایات روستایی" همان نظام دموکراتیک مدیریت محلی و خودگردانی در سطح روستاست که سابقه‌ای دیرینه در هندوستان دارد و از دیرباز به صورت نهادی بومی در روستاهای هند وجود داشته است، و دارای قدرت و مقبولیت اجتماعی و فرهنگی و محلی گسترده‌ای نیز هست. مهم‌ترین معیارهای الگوی پانچایات روستایی برای توسعه روستاهای هند عبارت بودند از: قدرتمندی و نفوذ ریش‌سفیدان محلی، خودگردانی (مدیریت) محلی به لحاظ تفاوت‌های محلی، ساختار سلسله‌مراتبی ارگانیکی با سطوح بالا و پایین، برنامه‌ریزی متناسب با نیازها و اولویت‌ها، همراه با مشارکت مردم، تخصصی کردن فعالیت‌ها از طریق تشکیل کمیته‌های تخصصی، و جز اینها (قالیباف، ۱۳۸۰، ۹۹-۹۷).

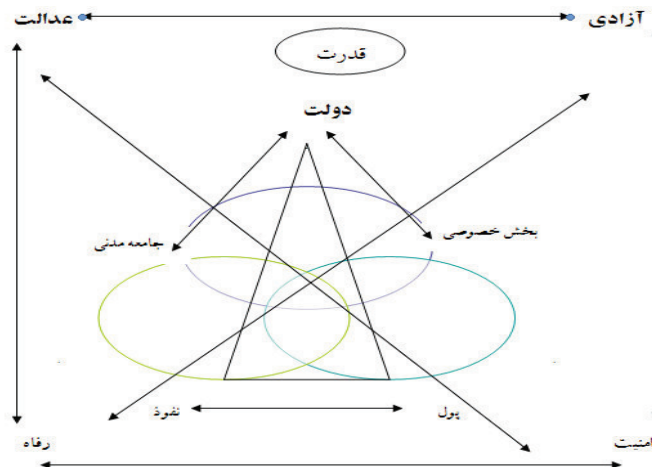
نمونه‌ای دیگر از تجربیات موفق توسعه روستایی با توجه به در نظرگیری رهیافت حکمروایی خوب برای روستاها، کشور تانزانیا است. در این کشور پروژه تعاونی "اوجاما" الگوی موفق بوده است، که در زمان رئیس جمهور وقت کشور (نایرره) به اجرا گذاشته شد. روستای "اوجاما" در واقع نوعی اجتماع سازمان‌یافته اشتراکی است که در آن مردم برای رفاه اجتماعی همگانی در کنار هم به کار و تلاش می‌پردازند. اعضای این اجتماع، مشترکاً در به کارگیری و کنترل وسایل اصلی تولید و همچنین در بیشتر مسئولیت‌های اجتماعی و اقتصادی روستا سهیم‌اند و در آنها تصمیم‌گیری می‌کنند.



شکل ۱. ظرفیت‌سازی سه نهاد "دولتی و بخش خصوصی و جامعه مدنی" در دوره‌های زمانی مختلف

به طور کلی سیاست‌گذاری‌های توسعه اقتصادی را می‌توان به ۳ دوره متمایز تفکیک کرد: دوره نخست، رویکرد دولت بزرگ، که از پایان جنگ جهانی دوم تا دهه‌های پایانی ۱۹۷۰ ادامه داشت. در این دوره بیشتر نظریه‌پردازان و سیاست‌گذاران به دولت بزرگی اعتقاد داشتند که زمام امور را در دست گیرد و در این میان بنگاه‌های دولتی چونان قهرمانانی ملی تصور می‌شدند، که دولت از طریق آنها می‌تواند منابع لازم را تجهیز کند. دوره دوم، که می‌توان آن را رویکرد دولت کوچک نام نهاد، از ابتدای دهه ۱۹۸۰ تا اواخر دهه ۱۹۹۰ ادامه داشت. در این دوره کاهش سهم دولت در تولید ناخالص داخلی و محدود کردن نقش آن در اقتصاد و توجه به خصوصی‌سازی به عنوان نوعی غایت و کمال مطرح بود. این رویکرد به قدرت بازار و کارآمدی رقابت و قیمت‌های بازار - به جای تخصیص دولتی منابع - اعتقاد داشت. دوره سوم، یا رویکرد حکمروایی خوب، از اواخر دهه ۱۹۹۰ شکل گرفت و هنوز هم ادامه دارد. در این رویکرد موضوع ابعاد دولت (بزرگ‌سازی یا کوچک‌سازی) نقش محوری خود را به توانمندسازی دولت اختصاص

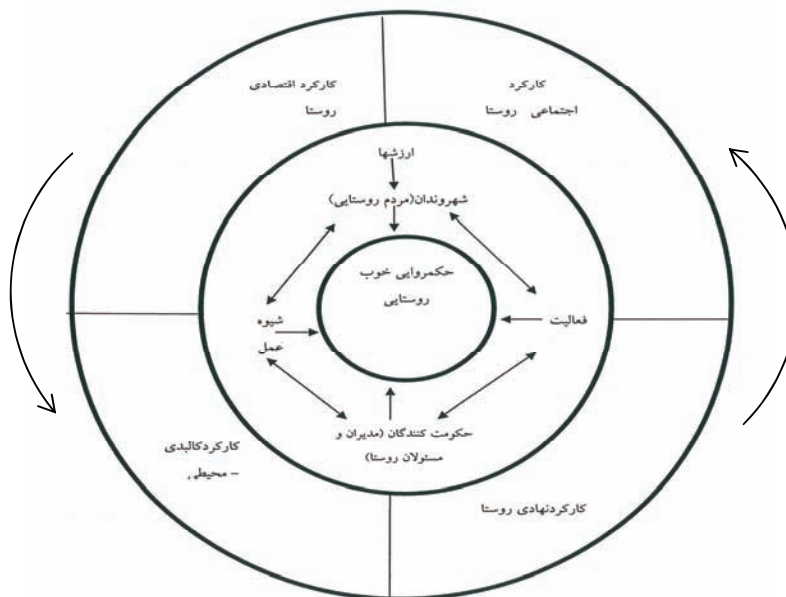
داده‌اند و حکمروایی خوب را اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی، اداری براساس قانون، پاسخگویی و اثربخشی برشمرده‌اند. در دوره مورد بحث نقش جوامع مدنی پررنگ است و هدف فقط دستیابی به رشد اقتصادی نیست بلکه در واقع تحقق توسعه پایدار در گروه دنبال کردن و برآورده ساختن اهداف مردم‌سالاری، برابری و حفظ محیط زیست به شکل توأمان است (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۸، ۳۰-۲۶).



شکل ۲. روابط و کارکرد نهادهای مدنی در رهیافت حکمروایی خوب

مدل توسعه روستایی اوجامای تانزانیا مدلی است سوسیالیستی (اجتماعی‌گرا) و خوداتکا، که در تحول کشاورزی روستایی از طریق سازمان‌دهی بر اساس "تعاونی‌ها" تلاش می‌کند. مهم‌ترین معیارهای الگوی پروژه تعاونی روستای اوجاما در تانزانیا عبارت‌اند از: توسعه نهادهای مشارکتی مردم‌محور و جمع‌گرا، خوداتکا کردن فرایند توسعه، مشارکت روستاییان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به روستا و جامعه محلی، ارتقای معیارهای اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی مردمان روستایی، تساوی همگانی و احترام به شئون انسانی، سازمان‌دهی و ایجاد تحرک در روستاییان و نظایر اینها (میسرا و سوندرام، ۱۳۷۱، ۹۷ - ۸۷).

با توجه به الگوها و مشترکات مطرح‌شده الگوها، می‌توان گفت که اصول اصلی و محوری در حکمروایی خوب با رویکرد توسعه پایدار روستایی، به نوعی اهداف حکمروایی خوب را نیز که در درون توسعه پایدار نهفته است، مطرح می‌سازد. با توجه به نکات مذکور، روابط مؤلفه‌های حکمروایی خوب روستایی و توسعه پایدار روستایی در شکل ۳ نمایش داده شده است.



شکل ۳. روابط مؤلفه‌های حکمروایی خوب روستایی و توسعه پایدار روستایی

مواد و روش‌ها

همان‌گونه که پیش‌تر توضیح داده شد، این مقاله در پی پاسخگویی به این پرسش است که آیا با تحقق بخشی الگوی حکمروایی خوب در مناطق روستایی مورد مطالعه، توسعه پایدار روستایی محقق می‌شود یا خیر. برای تبیین و توجیه چگونگی و چرایی وضعیت و ابعاد آن، از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای (جست‌وجو در نوشتارها و پژوهش‌ها و مباحث نظری موجود) و

نیز مطالعه میدانی (پیمایشی) استفاده شده است. بنابراین می‌توان گفت که روش مورد استفاده در این تحقیق را می‌توان کاربردی و اکتشافی و توصیفی - تحلیلی برشمرد. جامعه آماری این تحقیق، ۵۰ روستای دارای جمعیت بیش از ۲۰ خانوار شهرستان‌های بهشهر و چالوس و آمل اند که در سه دسته طبقه‌بندی شده‌اند: روستاهای جلگه‌ای و روستاهای پایکوهی و روستاهای کوهستانی. بر اساس این تقسیم‌بندی، با روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی‌شده از هر طبقه روستاها، با توجه به متغیرهایی چون تعداد خانوار و جمعیت (روستاهای دارای ۲۰ تا ۵۰ خانوار، روستاهای دارای ۵۰ تا ۱۰۰ خانوار، و روستاهای دارای بیش از ۱۰۰ خانوار)، فاصله تا مرکز شهرستان (روستاهایی کمتر از ۲۰ کیلومتر فاصله تا مرکز شهرستان دارند، روستاهای واقع در فاصله ۲۰ تا ۴۰ کیلومتری از مرکز شهرستان، و روستاهایی که بیش از ۴۰ کیلومتر با مرکز شهرستان فاصله دارند)، دارا بودن طرح هادی روستایی، داشتن نهادهای مدنی مردم‌محور و صنوف مختلف، داشتن پروژه‌ها و طرح‌های مشارکتی، داشتن شورای اسلامی روستا یا دهیاری و نظایر اینها، ۵۰ روستای نمونه انتخاب شدند. علاوه بر آن، انتخاب خانوار روستایی به صورت تصادفی ساده است؛ و بدین ترتیب اصل فرصت (شانس) برابر به منظور انتخاب خانوارها برای عضویت در نمونه، رعایت شده است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۲، ۱۲۲). ابزار جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های پیمایشی، پرسشنامه روستا و خانوار روستایی بوده است. عمده‌ترین متغیرهای حکمروایی خوب بر اساس مطالعات نظری انجام گرفته و شاخص‌های مطرح‌شده U.N.D.P. عبارت‌اند از: مشارکت، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، شفافیت، عدالت‌محوری، قانونمندی، توافق جمعی، کارایی و اثربخشی؛ و مهم‌ترین متغیرهای پایداری نیز به ترتیب اینها هستند: پایداری محیطی (منابع آب و خاک، پتانسیل‌های محیطی برای تنوع‌بخشی به منابع درآمدی روستاییان)، مخاطرات طبیعی (عمدتاً سیل، زمین‌لرزه و خشکسالی و نظایر اینها)، موقعیت طبیعی، نرخ تغییر اراضی مرتعی و جنگلی، سیستم فاضلاب روستایی، سیستم جمع‌آوری زباله و جز اینها؛ و سرانجام پایداری اجتماعی (نرخ باسوادی، نرخ مهاجرت، درصد امید به آینده، اعتماد اجتماعی، همبستگی اجتماعی، وضع خدمات عمومی، میزان دسترسی به خدمات عمومی، درصد احساس محرومیت و بهره‌مندی، نحوه پاسخگو بودن مسئولان، مشارکت

اجتماعی، میزان رضایت از عملکرد مسئولان روستا و مانند اینها) (پورطاهری، سجاسی و دیگران، ۱۳۸۹، ۳۱-۱، قدیری معصوم و ضیانوشین و دیگران، ۱۳۸۹، ۲۹-۱، نوری‌پور و شاه ولی، ۱۳۸۸، ۱۰۷-۷۹)، و سرانجام پایداری اقتصادی (میزان درآمد، مقدار و ارزش زمین، میزان پس‌انداز، تعداد وام، جمعیت شاغل و بیکار، وضع مالکیت محل سکونت، کارایی فعالیت‌ها، بهره‌وری، تنوع بخشی، هزینه‌های ماهانه، میزان سرمایه صندوق‌های محلی، شاخص آسیب‌پذیری فعالیت‌ها، راندمان تولید و جز اینها) بوده است، که در قالب پرسش (گویه) با خانوارهای روستایی در میان نهاده شد. پرسش‌ها عمدتاً با توجه به متغیرهای مقاله و با استفاده از طیف لیکرت (از ۱ تا ۴، عدد ۱ به معنای هیچ است و عدد ۴ به معنای زیاد) در مقیاس سنجش اسمی و رتبه‌ای و فاصله‌ای طراحی شدند. و در نهایت نیز داده‌ها و اطلاعات گردآوری‌شده از ۵۰ روستا و ۵۰۰ خانوار، طبقه‌بندی و کدگذاری گردیدند و وارد نرم‌افزار SPSS شدند و سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. سطح پایایی پرسشنامه حکمروایی خوب در این پژوهش براساس ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۷ و برای پرسشنامه پایداری ۰/۷۹ محاسبه شده است که بیانگر ضریب اعتماد بالای آن است. متغیر مستقل این مقاله، شاخص‌های مطرح شده در رهیافت حکمروایی خوب و متغیر وابسته نیز توسعه پایدار روستایی در نظر گرفته شده است که هر یک به اجزای خود تقسیم شدند و مورد توصیف و تحلیل قرار گرفتند. برای تجزیه و تحلیل پرسش تحقیق، از آماره آزمون ضریب همبستگی و T-Test استفاده شده است (مهدوی و طاهرخانی، ۱۳۸۳، ۳۶۳-۲۴۷). شاخص‌های حکمروایی خوب روستایی با گویه‌ها، مورد سنجش و اندازه‌گیری قرار گرفتند و برای هر روستا یک نمره یا امتیاز از لحاظ تک‌تک شاخص‌ها به دست آمد و در مجموع نیز یک نمره به وضع حکمروایی روستایی خوب به هر روستا داده شد. با در نظر گرفتن متوسط امتیازات و میانگین کل امتیازات به دست آمده از مجموع گویه‌ها در نزد روستاییان (میانگین کل حکمروایی روستایی، "۲۱۷/۵۸")، وضعیت حکمروایی در روستاهای مورد مطالعه به سه دسته تقسیم شدند: روستاهای دارای حکمروایی خوب (بیشتر از نمره ۲۳۳/۱)، دارای حکمروایی متوسط (برابر یا نزدیک به میانگین کل به دست آمده، "از نمره ۲۱۷/۵۹ تا ۲۳۳")، دارای حکمروایی ضعیف (کمتر از میانگین کل،

"کمتر از نمره ۲۱۷/۵۸". آن‌گاه وضع تک تک روستاها بر اساس این تقسیم‌بندی مشخص گردید، (حداقل نمره، ۱۶۹ و حداکثر نمره، ۲۵۴/۶۰).

متغیر پایداری نیز در سه بعد پایداری طبیعی - محیطی، پایداری اجتماعی - نهادی و پایداری اقتصادی مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت با جمع امتیازات هر یک از ابعاد پایداری، نمره کل پایداری هر روستا مشخص گردید. سپس با در نظر گرفتن متوسط امتیازات و میانگین کل امتیازات به دست آمده (میانگین کل پایداری ۲۱۹/۱۴)، وضع پایداری روستاهای مورد مطالعه نیز به سه دسته تقسیم شدند: روستاهای پایدار (بالتر از حد میانگین کل به دست آمده، "۲۲۶/۵۱ و بیشتر"، روستاهای نیمه پایدار ("از نمره کل ۲۱۹/۱۵ تا ۲۲۶/۵۰") و روستاهای ناپایدار (کمتر از حد میانگین کل به دست آمده "۲۱۹/۱۴") (حداقل نمره، ۱۸۶/۱۰ و حداکثر، نمره ۲۶۲/۷۰).

یافته‌های تحقیق

با توجه به شاخص‌های مطرح شده، وضعیت حکمروایی خوب روستایی و پایداری روستاها برابر شکل‌های ۴ تا ۹ تولید شده، عبارت‌اند از:

۱- براساس ملاک تعیین میزان پایداری و میزان حکمروایی که مبنای آن محاسبه میانگین کل هر یک از روستاها بوده است (میانگین کل حکمروایی روستایی برای روستاهای مورد مطالعه ۲۱۷/۵۸ و میانگین کل پایداری برای روستاهای مورد مطالعه ۲۱۹/۱۴)، ۵۸ درصد روستاهای مورد مطالعه ناپایدار، ۲۴ درصد نیمه پایدار و ۱۸ درصد پایدار هستند. همچنین ۴۸ درصد روستاهای مورد مطالعه دارای حکمروایی ضعیف، ۳۰ درصد دارای حکمروایی متوسط و ۲۲ درصد دارای حکمروایی خوب بودند (شکل‌های ۵ و ۷ و ۹).

۲- یافته‌ها، حاکی از آن‌اند که با طی کردن مسیر هر چه بیشتر از شرق استان مازندران به سمت غرب استان، بر پایداری روستاها افزوده می‌شود و حکمروایی روستایی وضع مطلوب‌تری می‌یابد، به گونه‌ای که ۵۸ درصد روستاهای نمونه شهرستان بهشهر (شرق استان) ناپایدار، و

فقط ۳۰ درصد آنها پایدار بوده‌اند. این وضعیت در شهرستان آمل (مرکز استان) این گونه است که ۷۰ درصد روستاهای نمونه ناپایدارند و بقیه نیمه پایدار. این در حالی است که در شهرستان چالوس (غرب استان) بیش از ۳۸ درصد روستاها ناپایدارند و بیش از ۴۶ درصد روستاها پایدار و بقیه نیمه پایدار. از نظر توزیع فضایی، وضعیت حکمروایی روستایی نیز هم‌سو با وضعیت پایداری روستاهای مورد مطالعه است، به گونه‌ای که در شهرستان بهشهر، ۴۰ درصد روستاهای نمونه وضعیت حکمروایی روستایی ضعیف داشته‌اند، و ۴۰ درصد حکمروایی خوب. در شهرستان آمل ۵۵/۵ درصد روستاهای نمونه دارای حکمروایی روستایی ضعیف‌اند، در حالی که در شهرستان چالوس ۳۸/۴ روستاها حکمروایی ضعیف دارند.

۳- بدین ترتیب باید گفت بیشتر روستاهایی که از نظر حکمروایی روستایی در وضعیت ضعیف هستند، از نظر پایداری نیز وضعیت‌شان ناپایدار یا نیمه پایدار است.

۴- یافته‌های استنباطی با آزمون همبستگی پیرسون نیز بر این ادعا صحت می‌گذارد که بین حکمروایی خوب روستایی و پایداری روستاها (محیطی، اجتماعی، اقتصادی) رابطه معناداری وجود دارد (جدول ۳).

جدول ۳. همبستگی بین تحقق بخشی رهیافت حکمروایی خوب روستایی و توسعه پایدار روستایی

متغیر	آزمون آماری	حکمروایی خوب روستایی
پایداری روستایی	Pearson correlation	۰/۵۶۳
سطح معنی‌داری	Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۰
تعداد	N	۵۰ روستا

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به مقدار ضریب همبستگی (۰/۵۶) به دست آمده و اینکه سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است، می‌توان گفت که بین دو متغیر حکمروایی خوب روستایی و پایداری روستاها، همبستگی وجود دارد و این همبستگی و رابطه، قوی و به صورت مثبت و مستقیم است. این

خود نشان‌دهنده این موضوع است که توسعه پایدار روستایی به شدت از الگوی حکمروایی خوب روستایی تبعیت می‌کند. در نتیجه، پاسخ پرسش تحقیق نیز روشن می‌شود؛ یعنی با تحقق بخشی رهیافت حکمروایی خوب روستایی در روستاهای مورد مطالعه، پایداری روستایی محقق می‌شود. از سوی دیگر، بین تک‌تک متغیرهای حکمروایی خوب روستایی (مشارکت، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، اجماع و نظایر اینها) با هر یک از متغیرهای پایداری (ابعاد محیطی - کالبدی، اجتماعی، اقتصادی) رابطه معناداری وجود دارد (جز متغیرهای پایداری طبیعی و اجماع جمعی، متغیرپایداری اقتصادی و قانونمندی، اجماع جمعی و مشارکت که رابطه معناداری بین آنها به چشم نمی‌خورد). بر این اساس، سطح معناداری برای هر یک از متغیرها محاسبه شد، که به شرح جدول ۴ است.

جدول ۴. آزمون معنی‌داری متغیرهای حکمروایی خوب روستایی و پایداری روستایی با استفاده از

همبستگی پیرسون (خانوار روستایی $n=500$) ($n=50$ روستا = N)

کارایی و اثربخشی	شفافیت	عدالت و برابری	اجماع	قانونمندی	پاسخ‌گویی	مسئولیت‌پذیری	مشارکت	حکمروایی روستایی
۰/۲۱۷	۰/۱۴۳	۰/۱۴۶	۰/۰۴۳	۰/۱۴۱	۰/۱۵۲	۰/۱۸۰	۰/۰۹۷	پایداری روستایی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۳۳۴	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۳۱	طبیعی
۰/۳۷۴	۰/۳۰۶	۰/۳۱۱	۰/۲۰۵	۰/۳۲۱	۰/۳۶۵	۰/۳۳۸	۰/۳۳۸	پایداری اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	پایداری اقتصادی
۰/۱۸۳	۰/۰۸۸	۰/۱۰۱	۰/۰۲۸	۰/۰۷۷	۰/۱۴۵	۰/۱۴۶	۰/۰۵۶	
۰/۰۰۰	۰/۰۴۹	۰/۰۲۴	۰/۵۳۶	۰/۰۸۶	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۲۱۲	

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج آزمون T تک‌نمونه‌ای برای تک‌تک متغیرهای حکمروایی خوب و پایداری روستاها نیز مؤید همین نکته است (جدول ۶). همان‌طور که از جدول برمی‌آید، بیشتر شاخص‌های حکمروایی خوب با متغیرهای پایداری رابطه معناداری دارند؛ اما شاخص‌های مشارکت و کارایی و اثربخشی بالاترین میانگین را دارند، و شاخص‌های شفافیت و توافق جمعی کمترین میانگین را.

علاوه بر این، شاخص‌های مشارکت، قانونمندی، اجماع و شفافیت در سطح جامعه نمونه بیشتر از حد متوسط بوده است (مقادیر در جدول ۵ ذکر گردیده‌اند). این تفاوت در سطح آلفا ۰/۰۰۰ معنادار است و حکایت از آن دارد که روستاییان محدوده مورد مطالعه از وضع این شاخص‌ها در روستاهای شان راضی‌اند و این افزایش رضایت بیش از حد متوسط ارزیابی شده است.

از سوی دیگر، میزان شاخص‌های مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، عدالت‌محوری و کارایی و اثربخشی کمتر از حد متوسط بوده است. این تفاوت در سطح آلفا ۰/۰۰۰ و ۰/۰۱ معنادار است و نشان می‌دهد که روستاییان جامعه نمونه از وضعیت این شاخص‌ها در روستاهای شان راضی نیستند و رضایت‌شان کمتر از حد متوسط بوده است. نتایج به دست آمده از یافته‌های تحقیق با یافته‌های تحقیقاتی سیلزنیک (۲۰۰۱)، دنیش متا (۲۰۰۲)، هاتر وشاه (۲۰۰۰)، دیوید بارکین (۲۰۰۰) و مارک تئودور جونز (۱۹۹۸) هم‌سوئی دارد و آنها را تأیید می‌کند. با توجه به مجموعه مباحث و همچنین شاخص‌های مطرح شده، وضعیت حکمروایی روستایی و پایداری روستاهای مورد مطالعه به شرح جدول ۶ است.

جدول ۵. وضعیت میزان حکمروایی روستایی و پایداری روستاهای مورد مطالعه

ردیف	نام روستا	شهرستان	میزان پایداری	وضعیت پایداری	میزان حکمروایی	وضعیت حکمروایی
۱	کوهستان	بهشهر	۲۱۰/۳۰	ناپایدار	۲۱۰/۸۰	ضعیف
۲	پاسند	بهشهر	۲۱۳/۵۰	ناپایدار	۲۰۷/۱۰	ضعیف
۳	زاغمرز	بهشهر	۲۱۹/۱۰	ناپایدار	۲۲۰/۹۰	متوسط
۴	محمدآباد	بهشهر	۲۴۴/۵۰	پایدار	۲۳۸/۸۰	خوب
۵	سفیدچاه	بهشهر	۲۳۴/۱۰	پایدار	۲۴۶/۳۰	خوب
۶	یخکش	بهشهر	۲۱۳/۹۰	ناپایدار	۲۱۶/۵۰	ضعیف
۷	بیشه‌بنه	بهشهر	۲۲۰/۸۰	نیمه پایدار	۲۳۳	متوسط
۸	پیتهنو	بهشهر	۲۳۸/۷۰	پایدار	۲۳۴/۳۰	خوب
۹	سمچول	بهشهر	۱۹۷/۷۰	ناپایدار	۲۴۲/۴۰	خوب
۱۰	استارم	بهشهر	۲۲۰/۸۰	نیمه پایدار	۲۰۲/۹۰	ضعیف
۱۱	تجن کلای علیا	چالوس	۱۸۶/۱۰	ناپایدار	۱۶۹	ضعیف
۱۲	تازه‌آباد	چالوس	۲۱۵	ناپایدار	۲۰۰/۴۰	ضعیف
۱۳	سینوا	چالوس	۲۳۱	پایدار	۲۱۵/۷۰	ضعیف
۱۴	اوجاکله	چالوس	۲۳۱/۷۰	پایدار	۲۳۳/۳۰	خوب
۱۵	نورسر	چالوس	۲۲۲	نیمه پایدار	۲۲۶/۶۰	متوسط
۱۶	طویر	چالوس	۲۴۲/۲۰	پایدار	۲۳۱/۹۰	متوسط
۱۷	برار	چالوس	۲۱۸/۸۰	ناپایدار	۲۲۶	متوسط
۱۸	پیشنبور	چالوس	۲۰۰	ناپایدار	۲۰۵/۹۰	ضعیف
۱۹	کردیچال	چالوس	۲۱۳/۷۰	ناپایدار	۲۳۵/۴۰	خوب
۲۰	کلنوی سفلی	چالوس	۲۶۲/۷۰	پایدار	۲۱۵/۵۰	خوب
۲۱	دلیر	چالوس	۲۳۷/۱۰	پایدار	۱۷۹	ضعیف
۲۲	ناتر	چالوس	۲۲۲/۱۰	نیمه پایدار	۲۲۶/۸۰	متوسط
۲۳	ولی‌آباد	چالوس	۲۵۴/۲۰	پایدار	۲۵۴/۶۰	خوب
۲۴	جعفرآباد	آمل	۲۰۴/۹۰	ناپایدار	۱۹۷/۳۰	ضعیف
۲۵	رودبار	آمل	۲۱۳/۸۰	ناپایدار	۲۰۳	ضعیف
۲۶	سنگ‌بست	آمل	۲۲۰/۹۰	نیمه پایدار	۱۹۲/۲۰	ضعیف

ردیف	نام روستا	شهرستان	میزان پایداری	وضعیت پایداری	میزان حکمروایی	وضعیت حکمروایی
۲۷	معصوم‌آباد	آمل	۲۰۹/۴۰	ناپایدار	۱۹۳	ضعیف
۲۸	چنگاز	آمل	۲۰۹/۵۰	ناپایدار	۱۹۸ / ۹۰	ضعیف
۲۹	شاه محله	آمل	۲۱۶/۹۰	ناپایدار	۲۲۳ / ۷۰	متوسط
۳۰	سائیج محله	آمل	۲۰۵/۶۰	ناپایدار	۲۰۱ / ۴۰	ضعیف
۳۱	سیاه‌لش	آمل	۲۲۶/۵۰	نیمه پایدار	۲۲۳ / ۲۰	متوسط
۳۲	درازان	آمل	۲۰۹/۷۰	ناپایدار	۱۸۶ / ۱۰	ضعیف
۳۳	سوته کلا	آمل	۲۱۲/۷۰	ناپایدار	۲۳۴ / ۵۰	خوب
۳۴	اسکومحله	آمل	۲۰۳/۳۰	ناپایدار	۲۰۸ / ۶۰	ضعیف
۳۵	پاشاکلا	آمل	۲۲۲/۵۰	نیمه پایدار	۲۴۴ / ۷۰	خوب
۳۶	پاریمه	آمل	۲۱۴/۸۰	ناپایدار	۱۹۸ / ۱۰	ضعیف
۳۷	تیار	آمل	۲۱۰/۸۰	ناپایدار	۲۲۰ / ۵۰	متوسط
۳۸	شاهکلا	آمل	۲۱۷/۵۰	ناپایدار	۲۳۶	خوب
۳۹	بانصرکلا	آمل	۲۲۲/۵۰	نیمه پایدار	۲۱۹ / ۵۰	متوسط
۴۰	الو	آمل	۲۱۷/۶۰	ناپایدار	۲۲۳ / ۴۰	متوسط
۴۱	رشکلا	آمل	۲۲۳/۵۰	نیمه پایدار	۲۰۸ / ۹۰	ضعیف
۴۲	دعوکلا	آمل	۲۱۳/۳۰	ناپایدار	۲۱۴ / ۲۰	ضعیف
۴۳	اجوارکلا	آمل	۲۲۲/۷۰	نیمه پایدار	۲۲۵ / ۳۰	متوسط
۴۴	بوران	آمل	۲۲۱/۷۰	نیمه پایدار	۲۲۶ / ۴۰	متوسط
۴۵	فیروز کلاسلفی	آمل	۲۱۲/۱۰	ناپایدار	۲۲۵ / ۲۰	متوسط
۴۶	وسطی کلا	آمل	۲۱۹/۷۰	نیمه پایدار	۲۱۴ / ۴۰	ضعیف
۴۷	آبگرم	آمل	۲۰۷/۹۰	ناپایدار	۲۰۵ / ۲۰	ضعیف
۴۸	پلور	آمل	۲۱۴/۶۰	ناپایدار	۲۱۶ / ۳۰	ضعیف
۴۹	آب اسک	آمل	۲۱۷/۷۰	ناپایدار	۲۱۴ / ۷۰	ضعیف
۵۰	شنگلده	آمل	۲۱۴/۹۰	ناپایدار	۲۲۴ / ۲۰	متوسط
میانگین	—	—	۲۱۹/۱۴	—	۲۱۷ / ۵۸	—

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول ۶. نتایج آزمون T تک‌نمونه‌ای برای سنجش متغیرهای حکمروایی خوب روستایی و پایداری

روستاها از دید روستاییان

متغیرها	میزان استاندارد (حد متوسط)	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف معیار	مقدار T	درجه آزادی	سطح معناداری	میانگین تفاوت‌ها	تفاوت در سطح ۹۵٪ فاصله اطمینان	
										پایین‌ترین	بالا‌ترین
مشارکت	۲۷	۵۰۰	۴۱/۴۸	۵/۶۲	۰/۲۵	۹/۸۶	۴۹۹	۰/۰۰۰	۲/۴۸	۱/۹۸۷۵	۲/۹۷۶۵
مسئولیت‌پذیری	۲۷	۵۰۰	۲۳/۵۳	۴/۳۲	۰/۱۹	-۲/۳۸	۴۹۹	۰/۰۱۷	-۰/۴۸	-۰/۸۴۳۳	-۰/۰۸۱۷
پاسخگویی	۳۶	۵۰۰	۳۲/۱۰	۵/۲۰	۰/۳۳	-۲۹/۶۰	۴۹۹	۰/۰۰۰	-۶/۸۹	-۷/۳۵۳۶	-۶/۴۳۸۴
قانونمندی	۳۳	۵۰۰	۲۲/۷۶	۳/۶۴	۰/۱۶	۱۰/۸۴	۴۹۹	۰/۰۰۰	۱/۷۶	۱/۴۴۶۲	۲/۰۸۸۵
اجماع	۳۹	۵۰۰	۲۱/۹۲	۲/۵۰	۰/۱۱	۳۴/۹۴	۴۹۹	۰/۰۰۰	۳/۹۲	۳/۶۹۹۶	۴/۱۴۰۴
عدالت‌محوری	۲۴	۵۰۰	۲۴/۶۶	۴/۱۶	۰/۱۸	-۱۲/۵۶	۴۹۹	۰/۰۰۰	-۲/۳۴	-۲/۷۰۵۹	-۱/۹۷۴۱
شفافیت	۱۵	۵۰۰	۱۲/۴۳	۲/۷۶	۰/۱۲	۳/۴۷	۴۹۹	۰/۰۰۱	-۰/۴۳	۰/۱۸۷۱	-۰/۶۷۲۹
کارایی و اثربخشی	۳۹	۵۰۰	۳۸/۶۸	۷/۱۳	۰/۳۱	-۱۰/۳۹	۴۹۹	۰/۰۰۰	-۳/۳۱	-۲/۹۴۲۵	-۲/۶۸۹۵
پایداری اقتصادی	۳۰	۵۰۰	۴۲/۰۳	۷/۰۳	۰/۳۱	۷۹/۵۶	۴۹۹	۰/۰۰۰	۲۵/۰۳	۲۴/۴۱۵۸	۲۵/۵۶۲۲
پایداری طبیعی	۴۵	۵۰۰	۲۷/۲۵	۴/۰۴	۰/۱۸	-۱۵/۱۶	۴۹۹	۰/۰۰۰	-۲/۷۴	-۲/۱۰۱۷	-۲/۳۹۰۳
پایداری اجتماعی	۷۵	۵۰۰	۱۴۸/۸۳	۱۵/۷۴	۰/۷۰	-۱/۶۵	۴۹۹	۰/۰۹۹	-۱/۱۶	-۲/۵۴۷۷	-۰/۲۱۹۷

منبع: نتایج حاصل از تحقیق

بحث و نتیجه‌گیری

با بررسی‌های انجام‌شده، چه به لحاظ نظری و چه به لحاظ پیمایشی، این نتیجه به دست می‌آید که اگر حکمروایی روستایی با رویکرد فضایی مورد توجه قرار گیرد، در آن صورت حکمروایی خوب روستایی در نظام توسعه پایدار توأمان، رهیافت توسعه‌ای را شکل می‌دهند که می‌تواند مبنایی برای تحلیل فضایی به شمار آید. این رهیافت بر نظام برنامه‌ریزی غیرمتمرکز چندسطحی تأکید دارد که در جهت پیوند پویا و متقابل میان شهر و روستا گام برمی‌دارد (مدل شبکه‌ای) و از آنجا که در چارچوب استراتژی شبکه‌ای دستیابی به الگوی متعادل توسعه فضایی

مورد توجه است، جریان‌های موجود بین مراکز شهری و روستایی در سطح مناطق محلی باید به سوی ایجاد چرخه‌های مطلوب پیوندهای محلی یا منطقه‌ای هدایت شوند (Ray & Tisdell, 1998, 213-221). همچنین رهیافت حکمروایی خوب روستایی بر پایه‌های توسعه پایدار به منظور تحرک بخشیدن به ظرفیت‌های درونی مناطق روستایی، از طریق تلاش برای ارتقای عرضه با تکیه بر منابع محلی مناطق روستایی و نیز ایجاد و توسعه نهادهای مؤثر و کارا در توسعه روستایی به مثابه رمز اصلی تحقق توسعه استوار شده است. بنابراین می‌توان گفت که از ملزومات اساسی مدل شبکه منطقه‌ای همانا استقرار نظام برنامه‌ریزی غیرمتمرکز و چندسطحی و نظام اداره مردمی (حکمروایی خوب) است که با مشارکت وسیع مردم جوامع محلی و سازمان‌های مردم‌نهاد تحقق‌یافتنی است. به بیان دقیق‌تر، رهیافت حکمروایی خوب روستایی بر پایه اعتقاد به دموکراسی، کثرت‌گرایی و جامعه مدنی (نهادهای اجتماعات محلی، نهادهای غیرحکومتی، شوراهای محلی و مانند اینها) استوار است و در آن منافع ناشی از مداخله و همکاری نهادهای محلی و غیرانتفاعی با نهادهای رسمی مورد توجه و تأکید فزاینده قرار گرفته است. به همین دلیل حکمروایی خوب روستایی، پیش‌شرطی برای توسعه پایدار روستایی برشمرده می‌شود، زیرا عدم تمرکز، مدیریت منابع روستایی، مشارکت همگانی، شراکت بین دولت و جامعه مدنی و بخش خصوصی، ابزارهای اصلی پاسخگویی به نیازهای اجتماعی و اقتصادی و محیطی قلمداد می‌گردند و اینها همگی خود مستلزم استقرار رهیافت حکمروایی خوب روستایی هستند. نتایج به دست آمده از شیوه پیمایشی در این مقاله نیز مؤید همین نکته است. جدول ۴ رابطه معنی‌داری را بین بیشتر شاخص‌های حکمروایی خوب روستایی و شاخص‌های پایداری تأیید می‌کند. افزون بر این، با مراجعه به جدول و مصاحبه حضوری با مردم روستایی محدوده مورد مطالعه (روش کیفی)، این برداشت شکل می‌گیرد که تعامل این دو متغیر با یکدیگر به هنجارها و شبکه‌هایی - همچون سرمایه اجتماعی - در جامعه روستایی ختم می‌شود که روستاییان را قادر می‌سازد تا دست به کنش جمعی بزنند و با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارایی جامعه خود را بهبود بخشند و در عین حال به تعامل پویا با دو بخش دولتی و خصوصی بپردازند. در چنین شرایطی، فرایند توانمندسازی و ارتقای ظرفیت مردم روستایی

برای انتخاب و حق تعیین سرنوشت و بهره‌مندی از زندگی شرافتمندانه و تقویت سازمان‌ها و نهادهای مردمی و محلی رخ خواهد نمود. به دیگر سخن، بررسی وضعیت سطح پایداری و میزان حکمروایی خوب روستایی محدوده مورد مطالعه توانست این فهم و درک را از طریق شناسایی نقاط قوت و ضعف و همچنین فرصت‌ها و تهدیدهای بیرونی (SWOT) فراروی توسعه پایدار، در آنها به وجود آورد که آن دسته از روستاهایی که پایداری متوسط و به بالا دارند دارای حکمروایی متوسط و به بالا نیز هستند (نزدیک به ۸۰ درصد روستاهای مورد مطالعه)؛ و برعکس، روستاهایی که سطح پایداری‌شان ضعیف است حکمروایی ضعیفی نیز دارند. افزون بر آن، نتیجه یافته‌های تحقیق مشخص می‌سازد که در حکمروایی خوب روستایی یا نظام اداره مردمی خوب، روستاییان از حالت انفعالی درمی‌آیند و به مردمانی فعال و مسئولیت‌پذیر تبدیل می‌شوند و چونان کنشگرانی پویا عمل می‌کنند. در واقع یافته‌ها حاکی از آن‌اند که حکمروایی خوب روستایی، با ابتکار عمل، سیاست از پایین به بالا، شبکه‌های خودسازمانی، می‌تواند رویکردهای قدیمی سلسله‌مراتبی از بالا به پایین و دیوان‌سالاری را کمرنگ و ناکارآمد سازد (لاله‌پور، ۱۳۸۶، ۷۱-۶۰ و رضوانی، منصوریان و دیگران، ۱۳۸۹، ۶۵-۳۳). نکته راهبردی دیگر که از یافته‌ها برگرفته می‌شود، این است با حرکت از نواحی روستایی شرق استان مازندران به سمت غرب، وضع حکمروایی روستایی بهبود می‌یابد و به تبع آن، سطح پایداری روستاها نیز به گونه‌ای افزایش پیدا می‌کند که ۴۰ درصد روستاهای مورد مطالعه در شهرستان بهشهر (شرق استان مازندران) دارای حکمروایی خوب هستند و ۵۸ درصد آنها وضعیت پایداری ضعیف (ناپایدار) دارند. این در حالی است که نزدیک به ۶۲ درصد از روستاهای مورد مطالعه در شهرستان چالوس (غرب استان) دارای حکمروایی خوب‌اند و فقط ۳۸ درصد از آنها وضعیت پایداری ضعیف (ناپایدار) دارند. بدین ترتیب، می‌توان دید که با افزایش منحنی حکمروایی خوب روستایی از شرق به غرب استان، افزایش منحنی پایداری نیز مشاهده می‌شود - و بر عکس. در این باره باید گفت که شرایط اقلیمی نواحی شرق استان در قیاس با مناطق غرب آن متفاوت است. خشکی و معضلاتی چون میزان اندک بارندگی در نواحی شرقی استان، غلبه کشت دیم و محدودیت‌های منابع آبی، کمبود یا فقدان فرصت‌های اشتغال در بخش کشاورزی

و عدم تنوع شغلی و نرخ بالای بیکاری در میان جوانان روستایی، تبدیل اراضی کشاورزی به دیگر کاربری‌ها، فقدان نظام‌های جدید بهینه در زمینه آبیاری، پایین بودن راندمان تولید محصولات کشاورزی، ناپایداری فعالیت‌های اقتصادی، کاستی در دخالت و مشارکت روستاییان در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها و مسائلی از این دست از جمله علل ناپایداری روستایی و حکمروایی ضعیف در نواحی روستایی شرق استان مازندران تشخیص داده شد. نکته دیگری که می‌توان بر اساس شیوه پیمایشی در محدوده مورد مطالعه به آن اشاره کرد، این است که در روستاهایی که مشارکت روستاییان در پروژه‌ها و تصمیم‌گیری‌ها زیاد است و مردم روستایی در تعیین سرنوشت‌شان سهیم‌اند، سطح پایداری نیز بالاست. این خود بیانگر این واقعیت است که وقتی مردمان روستایی بدل به شهروند گردند و به دیدگاه‌ها و ترجیحات‌شان نیز اهمیت داده شود و حضور آنان در کنار مدیران و مسئولان روستا به صورت نوعی فرصت تلقی گردد، آنان خودشان در قالب سازماندهی‌های خودجوش مردمی و شبکه‌ای در حفظ و حراست از منابع روستا می‌گوشند و از آن به بهترین و منطقی‌ترین شکل بهره‌برداری می‌کنند و زمینه‌های پایداری منابع و امکانات را فراهم می‌آورند. به همین دلیل رویکرد شبکه‌ای در رهیافت حکمروایی خوب روستایی اهمیت زیادی دارد، چرا که رویکرد مذکور می‌تواند رابطه دو رهیافت حکمروایی خوب روستایی و توسعه پایدار را به درستی نشان دهد. نتیجه پژوهش حاضر نیز این نکته را به روشنی تأیید کرد که پایداری روستاهای مورد مطالعه به شدت از رهیافت حکمروایی خوب روستایی تبعیت می‌کند و دارای رابطه‌ای مستقیم با آن است؛ یعنی با استقرار نظام برنامه‌ریزی غیرمتمرکز و چندسطحی با یکپارچگی و همکاری بخش‌های مختلف در سطح محلی و پیوندهای مکمل میان سکونتگاه‌های شهری و روستایی (روابط میان سکونتگاه‌ها، افقی و مکمل و دوطرفه است). همچنین با تأکید بر منابع محلی و منطقه‌ای و نیز سرمایه اجتماعی و تحرک بخشیدن به ظرفیت‌های درونی مناطق روستایی از طریق ایجاد و توسعه نهادهای مؤثر و کارآمد، تحقق بخشی توسعه پایدار روستایی نیز سهل‌تر و میسرتر خواهد بود (صرافی، ۱۳۸۷، ۸۹-۷۱ و تقی‌زاده، ۱۳۸۳، ۴۵-۴۴ و Douglass, 2005, 231-246). افزون بر این‌ها، پژوهش حاضر این نوید را به همه پژوهشگران و محققان می‌دهد که می‌توان با بهره‌گیری از

شاخص‌های موجود برای حکمروایی خوب روستایی، سطح پایداری را به عنوان الگویی برای دیگر مناطق روستایی کشور، به منظور سنجش پایداری روستاها بر اساس الگوی حکمروایی خوب به کار برد. با استناد به این واقعیت‌ها، پیشنهادهایی برای نواحی روستایی مورد مطالعه در این تحقیق، با هدف دستیابی به توسعه پایدار روستایی، مبتنی بر رهیافت حکمروایی خوب روستایی ارائه می‌گردند، که عبارت‌اند از:

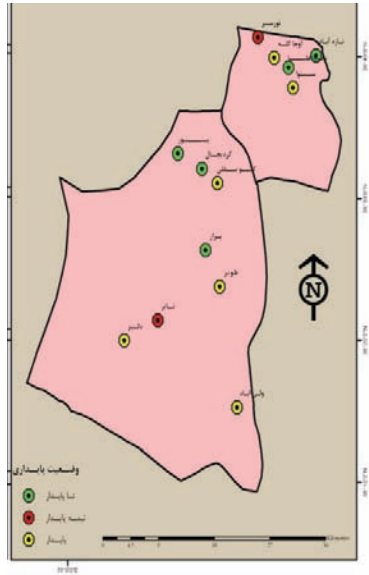
- ۱) تغییر دیدگاه توسعه از "توسعه به هر قیمت" به "توسعه پایدار".
- ۲) تقویت فرایندهای توسعه مشارکتی و شبکه‌های نهادی به منظور انسجام‌بخشی به فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی روستاییان و نواحی روستایی همگن، از طریق ایجاد خوشه‌ها و شبکه‌ها (به‌ویژه در نواحی روستایی شرق استان مازندران).
- ۳) تقویت و کمک به تأسیس صندوق‌های مالی محلی - روستایی.
- ۴) توسعه و تقویت خلاقیت و نوآوری و فرهنگ کارآفرینی در میان روستاییان نواحی مورد مطالعه.
- ۵) تأکید بر منابع محلی و منطقه‌ای (رویکرد خوشه‌ای و شبکه‌ای)، سرمایه اجتماعی و تحرک بخشیدن به ظرفیت‌های درونی نواحی روستایی مورد مطالعه برای رسیدن به توسعه پایدار روستایی.
- ۶) تنوع‌بخشی به فعالیت‌ها و افزایش فرصت‌های شغلی و درآمدی در بخش کشاورزی و غیرکشاورزی.
- ۷) توسعه و بهره‌گیری از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های توریستی و اکوتوریسم در نواحی روستایی مورد مطالعه به ویژه در روستاهای جلگه‌ای و ساحلی (روستاهای نواحی غرب استان).



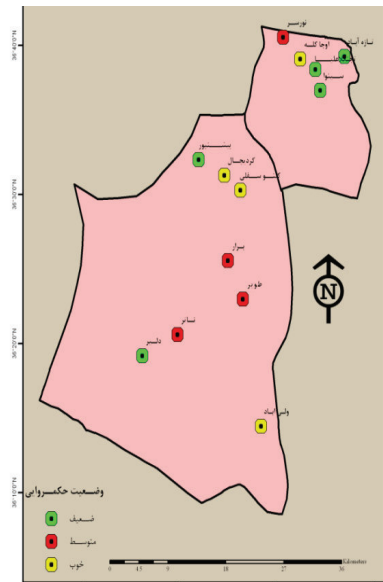
شکل ۴. نقشه وضعیت پایداری روستاهای مورد مطالعه شهرستان آمل



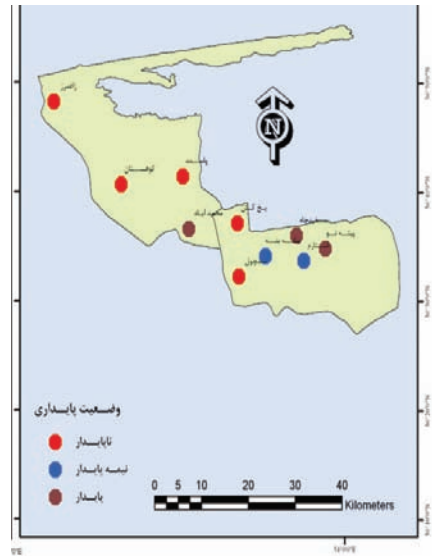
شکل ۵. نقشه وضعیت حکمروایی روستاهای مورد مطالعه شهرستان آمل



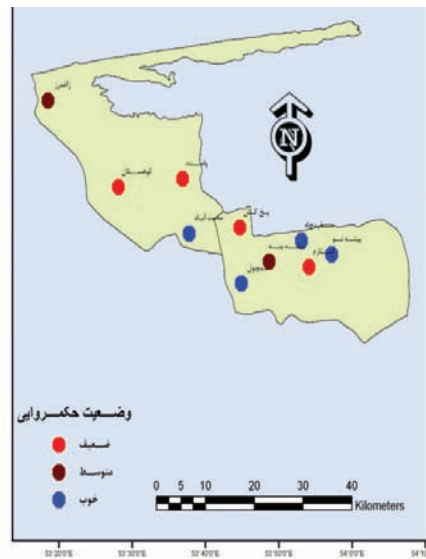
شکل ۶. نقشه وضعیت پایداری
روستاهای مورد مطالعه شهرستان چالوس



شکل ۷. نقشه وضعیت حکمروایی
روستاهای مورد مطالعه شهرستان چالوس



شکل ۸. نقشه وضعیت پایداری روستاهای مورد مطالعه شهرستان بهشهر



شکل ۹. نقشه وضعیت حکمروایی روستاهای مورد مطالعه شهرستان بهشهر

منابع

- افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین؛ پورطاهری، مهدی؛ سجاسی، حمدا...، ۱۳۸۸، تحلیل ابعاد و عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی کشاورزی مناطق روستایی (نمونه: روستاهای شهرستان خداآینده، فصلنامه روستا و توسعه، سال دوازدهم، شماره ۳، صص ۷۲-۴۳.
- پاگ، سدیریک، ۱۳۸۳، شهرهای پایدار در کشورهای در حال توسعه، ترجمه ناصر محرم‌نژاد، چاپ اول، انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.
- پورطاهری، مهدی؛ سجاسی، حمدا...؛ صادقلو، طاهره، ۱۳۸۹، سنجش و اولویت‌بندی پایداری اجتماعی در مناطق روستایی با استفاده از تکنیک رتبه‌بندی بر اساس تشابه به حل ایده‌آل فازی، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، سال اول، شماره اول، صص ۳۱-۱.
- جاسبی، جواد؛ نفری، ندا، ۱۳۸۷، الگوی حکمرانی خوب: رهیافتی فرایندی - سیستمی، فصلنامه مدیریت و توسعه، سال دهم، شماره ۳۸، صص ۴۹-۳۶.
- حافظنیا، محمدرضا، ۱۳۸۲، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران.
- حکمت‌نیا، حسن؛ موسوی، میرنجف، ۱۳۸۵، کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه، چاپ اول، انتشارات علم نوین، یزد.
- رضوانی، محمدرضا؛ منصوریان، حسین؛ احمدی، فاطمه، ۱۳۸۹، ارتقای روستاها به شهر و نقش آن در بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، سال اول، شماره ۱، صص ۶۵-۳۳.
- صرافی، مظفر؛ تقی‌زاده، فاطمه، ۱۳۸۷، راهبرد شبکه منطقه‌ای، چارچوبی برای توسعه منطقه‌ای در کشور، - مجله پژوهش‌های علوم زمین، سال اول، شماره ۱، صص ۸۹-۷۱.
- عظیمی آملی، جلال، ۱۳۸۸، اصطلاحات و مفاهیم علوم شهری، چاپ اول، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور، بابل.
- عمادی، محمدحسین؛ عباسی، اسفندیار، ۱۳۸۴، دانش بومی و توسعه پایدار- چاره‌ها و چالش‌ها، چاپ اول، انتشارات مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی وزارت جهاد کشاورزی (سلسله انتشارات روستا و توسعه)، تهران.

عمادی، محمدحسین، ۱۳۷۸، **فرایند توسعه و ویژگی‌های جنبش تعاونی‌های کشاورزی در کره جنوبی**، مجله جهاد، سال هیجدهم، شماره ۲۱۶ و ۲۱۷، صص ۳۰-۲۷.

قالیباف، محمدباقر، ۱۳۸۰، **بررسی تحلیلی سیر تکوین نهادهای محلی ایران در دوران معاصر و ارائه الگوی مناسب**، رساله دوره دکتری رشته جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

قدیری معصوم، مجتبی؛ ضیانوشین، محمدمهدی؛ خراسانی، محمدامین، ۱۳۸۹، **پایداری اقتصادی و رابطه آن با ویژگی‌های مکانی - فضایی (مطالعه موردی: روستاهای دهستان کوهین شهرستان کیوردآهنگ)**، فصلنامه روستا و توسعه، سال سیزدهم، شماره ۲، صص ۲۹-۱.

کمالی، محمدباقر، ۱۳۸۴، **جنبش ساموئل آندونگ: تسهیل توسعه یا توسعه عمودی**، فصلنامه روستا و توسعه، سال هشتم، شماره ۲، صص ۶۴-۴۳.

لاله‌پور، منیژه، ۱۳۸۶، **حکروایی شهری و مدیریت شهری در کشورهای در حال توسعه**، فصلنامه جستارهای شهرسازی، سال ششم، شماره ۱۹ و ۲۰، صص ۷۱-۶۰.

مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۱، **حکمرانی خوب، بنیان توسعه**، چاپ اول، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران.

مهدوی، مسعود؛ پورطاهری، مهدی، ۱۳۸۳، **کاربرد آمار در جغرافیا**، انتشارات قومس، تهران.

میسرا، آر. پی؛ سوندارام، کی. وی، ۱۳۷۱، **گزینه‌های توسعه روستایی**، چاپ اول، انتشارات مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی وزارت جهاد کشاورزی (سلسله انتشارات روستا و توسعه)، تهران.

نوری‌پور، مهدی؛ شاه‌ولی، منصور، ۱۳۸۸، **تبیین ماتریس پایداری محیط‌های روستایی**، مجله جهاد، سال چهل‌وسوم، شماره ۲۸۹ و ۲۹۰، صص ۱۰۷-۹۷.

Barkin, D., 2000, **Local Governance :A model of Sustainable Rural Resource management for the Third world**, Int.J.Agriculture Resources, Governance and Ecology, Vol. 1, No. 1, PP. 43 – 55.

Costanza, R., 1992, **The ecological economics of sustainability :Investing in Natural Capital**, In: Goodland, R., Daly, H.E. and EI serafy, S. (eds)

population, Technology, and Lifestyle: The Transition to sustainability. Washington D.C: Island press.

Douglas, David, J.A., 2005, **The Restructuring of Local Government in Rural Regions: A Rural Development Perspective**, journal of rural studies, vol. 21, No. 3, PP. 231-246.

Huther & Shah, 2000, **Applying a Simple Measure of Good Governance**, available at: www. World bank, org. (June 2009).

Johnson, Ronald. W. & Minis, jr. Henry, P., 2007, **Toward Democratic Decentralization: Approaches to Promoting Good Governance**, near east bureau. US AID, Washington, D.C.

Kaufmann, D., Kraay. D.A & Zoido Lobaton, P., 2000, **Governance Matters world bank policy research working.**

ODA, 1993, **Good Governance**, Technical note, No.10, London: ODA.

Putnam, Robert. D. 1994, **Making Democracy work: Civic Traditions in Modern Italy**, princeton university press.

Ray, K.C. & Tisdell, C.A., 1998, **Good Governance in Sustainable Development: the impact of institutions**, international journal of social economics, Vol. 25, No. 6, 7, 8, PP. 213-221.

UNDP, (Human Development Report), 2002, **Deepening Democracy in a Fragmented World**, New York, Oxford university press.

UNDP (Urban Governance Index), 2002, **A Tool to Measure Progress in Achieving Good Urban Governance (Global Campaign on urban governance)**, available at: <http://www.unhabitat.org> (August 2010).

World bank, 2000, **Sustainable Development in a Dynamic World**, world development Report, publication, Washington D.C.

World bank, 2000, **Good Governance**, available at: www.worldbank.org. (September, 2011).